

به این معنی نیست که تلویزیون عاری از این ویژگی‌های ذکر شده است. ما برای این که مخاطب را پای تلویزیون بنشانیم باید این فرمول‌ها را رعایت کنیم اما دُر و میزان آن، اندکی متفاوت است. یعنی از نظر من شاید کارهای رسانه از تلویزیون یک گام جلوتر باشند چون بر اساس همان قواعد، همان نظارت‌ها و همان چارچوب‌های کلی ساخته می‌شوند، به عنوان مثال سریال «شهرزاد» یک گام جلوتر از تلویزیون است نه بیشتر و من همیشه این افسوس را می‌خورم که ای کاش کارهایی از این جنس اساساً محصول تلویزیون بودند و مخاطب از رسانه ملی لذت می‌برد اما قطعاً به خاطر نوع سیاست‌گذاری‌هایی که وجود دارد و دلایل و برنامه‌ریزی‌هایی که مدیران دارند این امکان وجود ندارد. بخشی از آن، بحث پوشش است، بخشی پرداخت شخصیت‌ها و نوع روایت است و باید در نظر گرفت که مدیوم تلویزیون به مراتب فراگیرتر است که شاید نتوان قصه‌ای را در آن روایت کرد.

و البته که مخاطب تلویزیون گستردگی بیشتری دارد.

دقیقاً؛ اصلاً گاهی خود جامعه انتظار دیگری از تلویزیون دارد و مدیران هم بر همان اساس جلو می‌روند. فرض این که تلویزیون همین الان اعلام کند ساخت هر نوع سریالی آزاد است و مثلاً نوع پوشش مشکلی ندارد مردم اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا؟! به هر حال همگی این‌ها چارچوب دارند و صداوسیما آن قوانین را وضع می‌کند. به طور کلی فاصله اندکی بین تلویزیون و تلویزیون اینترنتی وجود دارد نه بیشتر.

هسته اصلی سریال داستان، زنی به نام «کتی» است که از طبقه مرفه جامعه است و می‌خواهد با پسری به نام «کاوه» از طبقه ضعیف ازدواج کند. یک پایه داستانی تکراری که بارها آن را در آثار مختلف دیده‌ایم؛ روایت این قصه برای شما باز دارنده و ریسک نبود؟

قصه «مانکن» را از زوایای مختلف می‌توان تعریف کرد. من می‌توانم قصه را این طور تعریف کنم که «همتا» و «کاوه» دو جوان از طبقه متوسط رو به پایین جامعه، دل‌داده هم هستند که به دلیل شرایط اقتصادی نمی‌توانند به هم برسند و مجبور به جدایی هستند چرا که پسر از نظر مالی مشکلاتی دارد که باید آن‌ها را حل کند و دختر هم تنهاست و پشتوانه‌ای ندارد. در این تعریف جایی برای شخصیت «کتی» نمی‌ماند. می‌خواهم بگویم قصه با هر تعریفی یک شکلی می‌گیرد، اما از این زاویه که شما گفتید هم بله، مخاطب حق دارد قصه را به آن شکل که دوست دارد ببیند و تعریف کند. جلوتر که می‌رویم، قصه، قصه «همتا» و «کاوه» می‌شود و کاراکتر «کتی» و «اخگر»



گفت و گو با بابک کایدان؛ نویسنده «مانکن»

درباره تفاوت‌های فیلمنامه نویسی از تلویزیون تا VOD



افسون جاوید: سریال «مانکن» این روزها مخاطبان زیادی را به سمت خود کشانده؛ سریالی که حالا با وجود نبود سریال دیگری یکه‌تازی می‌کند و مخاطبان جوان‌تر را علاقه‌مند به دنبال کردن مجموعه کرده است. بابک کایدان که در این چند سال، نویسنده سریال و فیلم‌های زیادی بوده، فیلمنامه این سریال را نیز به نگارش درآورده و به قول خودش سعی کرده روایتی متفاوت و غافلگیرکننده تحویل مخاطب بدهد. در ادامه، گفت‌وگوی ما با این نویسنده را درباره تفاوت‌های فیلمنامه‌نویسی برای تلویزیون و شبکه نمایش خانگی می‌خوانید.



برای یک فیلمنامه نویسی، نگارش فیلمنامه در مدیوم‌های مختلف سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی چه تفاوت‌هایی دارد؟

همگی از نظر اصول و نوع نگارش در یک چارچوب کلی قرار می‌گیرند. به نظر من چیزی که بین تلویزیون و شبکه نمایش خانگی تمایز ایجاد می‌کند مدیوم آن‌ها، نوع مخاطب و انتظارات از آن‌هاست و ما بر این اساس است که قصه را هدف‌گذاری می‌کنیم. وقتی شما می‌خواهید یک کار سینمایی انجام دهید، مخاطب از شما توقع جسارت، زیبایی‌شناسی، تصویرگرایی و موجز بودن بیشتر را دارد. در کارهای شبکه نمایش خانگی که به نظر من چیزی بین تلویزیون و سینماست هم انتظارات به همین شکل است، یعنی وقتی قرار است مخاطب برای یک سریال هزینه کند و بازیگران محبوبش را ببیند، طبیعتاً انتظارش این است که سریال جسورانه‌تری باشد، نوآوری بیشتری داشته باشد که اگر قرار است بابت سریال هزینه‌ای کند، ارزشش را داشته باشد. این

